

باز آفرینی الگوهای کیفیت بخش معماری سنتی گیلان؛ نمونه موردی خانه های شهرستان لاهیجان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

کد مقاله: ۸۱۵۶۴

معصومه بلوچستانی^۱، مهسا دلشاد سیاهکلی^{۲*}

چکیده

با وجود پیدایش معمای مدرن و از بین رفتن هویت در ساخت و سازهای جدید، الگو شناسی یکی از موضوعات مهمی است که سعی در شناخت روش های کاربردی جهت دستیابی به عناصر و الگو های هویت ساز بومی گذشته و استفاده از آنها در معماری امروز به شکل نوین دارد. بافت های مسکونی سنتی به عنوان هسته اولیه تشکیل دهنده شهرها و نیز عناصر و ابنیه معماری موجود در آنها بدون تردید میراثی ارزشمند جهت بررسی، تحلیل و ارائه الگو های مناسب معماری بومی هستند. این پژوهش ابتدا با نگاهی توصیفی - تحلیلی مروری خواهد داشت بر مباحث کلیدی مطرح و مرتبط با باز آفرینی و الگو شناسی و سپس با توجه به مبانی نظری بدست آمده، فاکتورهای کالبدی، کارکردی و معنایی موثر بر الگو های بافت و ابنیه سنتی گیلان شناسایی می شود. در مرحله بعدی جهت شناخت و بررسی کالبد بناهای سنتی خانه های لاهیجان بعنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته و بعد از تحلیل، موثرترین فاکتورها اولویت گذاری شده و با توجه به نتایج، اصول معماری سنتی و ضوابط موجود آن، به همراه راهکارها و الگو های طراحی جدید با هدف ارتقا ابعاد کیفی و کمی فضاهای مسکونی معرفی می گردند.

واژگان کلیدی: باز آفرینی، الگو، مولفه های معماری سنتی، گیلان

۱- دانشجوی کارشناس ارشد، گروه معماری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران
۲- رئیس مرکز تحقیقات مطالعات بافت های تاریخی، گروه معماری، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول)

۱- مقدمه

لزوم توجه به بازشناسی بافت ها و بناهای مسکونی تاریخی و سنتی یکی از ویژگی های بارز شرایط امروزی کشور به شمار می رود. توجه توأمان به باز آفرینی الگوی شکل گیری ابنیه و بافت ها و چیدمان های فضایی در خانه های سنتی ایرانی و استفاده از این الگو ها در شکل گیری و طراحی مسکن معاصر، امروزه بیش از هر زمان دیگر اهمیت خود را آشکار می کند. تغییر در فرم و شکل خانه های مسکونی نشان دهنده خواست عمومی از معماران و طراحان برای بهبود عملکرد و روابط موجود در فضاهای مسکن است که به نظر می رسد الگوی این سازمان دهی را می توان در خانه های سنتی بررسی و استخراج کرد. توپولوژی مسکن در سرزمین گیلان، همگام با عوامل فرهنگی و اجتماعی هویت معماری این خطه را شکل داده است. هویتی که علی رغم شباهت های اقلیمی با سایر مناطق جهان منحصر بفرد بوده است. در برخورد با مجموعه های معماری تاثیرات طبیعی و فرهنگی به بارزترین شکل خود و توأما بی آنکه بتوانیم یکی را از دیگری تمیز دهیم متجلی می شوند (قربانی، ۱۳۹۷). هدف اصلی این پژوهش دستیابی به نقاط قوت بافت سنتی گیلان، شناخت و بررسی عوامل تاثیر گذار در پیدایش الگو های سنتی و بررسی ارزش های معماری بومی با توجه به اقلیم و شرایط اقتصادی و اجتماعی استان گیلان است.

با توجه به اهداف پژوهش این پرسش مطرح می شود که: "باز آفرینی کدامیک از الگو های سنتی بکار رفته در معماری گیلان به دستیابی به کیفیت مطلوب معماری معاصر منجر خواهد شد؟"

از این رو چندین فرضیه پیش روست از آن جمله:

- به نظر می رسد در صورت شناخت و بهره گیری صحیح از الگو ها و اصول حاکم بر معماری گذشته (معماری بومی) از دیدگاه اقلیمی و ترکیب مناسب با معمای روز می توان به معماری با هویت دست یافت.

- ارتفاع گرفتن از سطح زمین، استفاده از مصالح بومی مانند گالی و چوب و... وجود ایوان به دور خانه و نظایر آن راهکارهای اقلیمی بسیار مناسبی در گیلان هستند.

- پلان های گسترده و باز، سقف شیبدار، استفاده از مصالح با حداقل ظرفیت حرارتی، ایجاد کوران طبیعی با ایجاد باز شو های فراوان، بافت متراکم و... به عنوان مولفه هایی از اصول معماری بومی اقلیم معتدل و مرطوب استان گیلان در جهت تسهیل شرایط زندگی تعریف شده اند.

هدف از بخش مبانی نظری، مطالعه ادبیات مربوط به باز آفرینی و مفاهیم مترادف با الگو و شناخت مولفه های کالبدی، کارکردی و معنایی معماری سنتی گیلان است. مرور ادبیات در محورهای اصلی زیر انجام خواهد شد:

۱- تعریف باز آفرینی

۲- تعریف الگو و مفهوم گونه شناسی

۳- مولفه های کالبدی، کارکردی و معنایی معماری سنتی گیلان

۲- مبانی نظری

۲-۱- باز آفرینی

مقصود از باز آفرینی یا Regeneration به وجود آمدن یک نسل جدید است. در یک مرکز کهن شهری ممکن است عناصر کالبدی متعلق به سیصد سال پیش باشد، ولی رفتارهای این مرکز شهری به آن دوره تعلق ندارد و Regenerate شده است. به عبارت دیگر این مرکز شهری معاصر سازی شده و با حفظ ویژگی های شکلی، اندامین و ریخت شناسانه، با تغییر رفتار و اندیشه، فرزند زمان خودش است یعنی ظرف یگانه ای است که در آن مطروف دیگری ریخته شده است. (حبیبی، ۱۳۹۴)

۲-۲- الگو

کلمات مشابهی در زبان فارسی موجود است که برای توضیح و تفسیر مفهوم "الگو" می توان از آنها بهره برد، در پژوهش حاضر آنچه مترادف با مفهوم الگو می تواند کارگشا باشد واژه گونه شناسی است. "گونه شناسی عبارت است از دسته بندی نمونه ها (طرح های محیط و منظر، ساختمان ها و طرح های شهری) بر طبق مقاصد مشترک یا ساختار و فرم (لنگ، ۳۸۳). این جمله تعریف نسبتاً مناسبی از گونه شناسی در حوزه علوم مرتبط با طراحی ارائه می دهد. "آلدو روسی" نیز گونه را امری ثابت و مقدم بر فرم و مشتمل بر آن می پندارد. همچنین در برخی نظریات، شناسایی و دسته بندی گونه ها را بر اساس خصوصیات مورفولوژیکی ممکن می داند که بر اجزا و عناصر یک پدیده حاکم است. (مقتدایی، ۱۳۸۵)

اگر چه در مواردی "typology" به الگو ترجمه شده است، ولی باید توجه داشت کار اصلی در گونه شناسی، دسته بندی و طبقه بندی نمونه ها بر اساس معیارهای مشترک است. این معیار مشترک گاه می تواند عملکرد فضای معماری و گاه ویژگی های

شکلی را شامل شود. اگر چه صرف وجود اشتراکات در پدیده ها و به طور اخص در طرح های معماری دال بر تبعیت آنها از الگویی مشخص نیست، اما طبقه بندی نمونه ها بر اساس گونه ها می تواند به شناسایی الگوها نیز کمک کند.

در زمینه نگرش های مطرح درباره الگو شناسی، می توان به رویکردهای گوناگونی اشاره کرد: نخست "نگرش اقلیمی" با این نگاه که معماری هرگز نمی تواند از اطراف خود جدا شود، بنابراین با توجه به شرایط اقلیمی مناطق، هر موقعیت جغرافیایی نیازمند معماری خاص خود می باشد (پیوستگار، ۱۳۹۴). سپس "نگرش شکلی" که همان تجلی ماهیت بنا در شکل است و متفکران مختلفی درباره آن صاحب نظر هستند از جمله "دوران" که معماری را هنر ترکیب اشکال می داند (رئسی، ۱۳۸۳)، "راب کریر" که شعار "تبعیت فرم از کارکرد" معماران مدرن را به ارتباط جدایی ناپذیر سه موضع کارکرد، سازه و شکل تغییر داد. (معماربان، ۱۳۸۴) و نیز "استدمن" که بر اساس الگوی نهفته در ورای اشکال معماری از "نمودارتوجهی" برای شبیه سازی الگو های مختلف استفاده نمود (بحرینی، ۱۳۹۰). همچنین در نگرش "تاریخی - تکاملی" "موراتوری" ایتالیا، که طبق آن میراث معماری هر مکان خاص در مفهوم گونه گرد آمده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و بر اساس اجزای کالبدی تعریف می شود. (معماربان، ۱۳۹۱) در "نگرش فضاگرا" بنابر دیدگاه "راپاپورت" ذهن انسان به تشخیص و به عبارتی رده بندی و نامگذاری و تمایز بخشی فضاها نیاز دارد و رده بندی و حریم، پایه های شناخت و معنادار کردن جهان هستی اند. (آسیایی، ۱۳۹۲) و در "نگرش زیستی - اجتماعی" مفاهیمی همچون "جنوتایپ" (گونه زیستی) و "فنوتایپ" (گونه کالبدی) مطرح می شود که در معماری جنوتایپ را می توان همان اطلاعات درونی دانست که در فضای معماری در روابط اجتماعی ناشی از رفتار مصرف کنندگان قابل شناخت باشد و فنوتایپ نیز، همان ظاهر کالبدی یک بناست که خود را در قالب یک گونه نشان می دهد (معماربان، ۱۳۹۲) در جدول ۱ به کلیت نگرش های مطرح شده اشاره شده است.

جدول ۱: کلیت نگرش های گونه شناسی و نقد آن، ماخذ (میرسجادی، فرکیش)

نگرش	صاحب نظر	عقاید و دیدگاه ها	نقاط ضعف (نقد)
اقلیمی	تقسیم بندی ۴ گانه اقلیمی	- تقسیم بندی ۴ گانه اقلیمی	- تشابه مشابه انواع شکل در اقلیم مختلف
شکلی	دوران کرایر استدمن هر دک	- معماری هنر ترکیب اشکال است - ارتباط جدایی ناپذیر کارکرد، سازه و شکل - الگوی نهفته در ورای اشکال معماری - هر شکل دارای یک ساختار و نظم نهفته	- سطحی نگری در معماری - کلیشه ای شدن گزینش نمونه ها - عدم توجه به تاثیر اقلیم - نادیده گرفتن جنبه های کیفی و معنایی
تاریخی	لامارک موراتوری	- «تغییر تدریجی» و زمانی صفات گونه ها - میراث معماری هر مکان در مفهوم گونه	- نگاه کالبدی صرف به معماری - اشکال در شناخت گونه پایه
فضاگرا	راپاپورت شولتز	- پیش درآمد بودن ساماندهی فضایی - استفاده از گونه شناسی برای شناخت فضا	- ایجاد برخی محدودیت های فضایی
زیستی اجتماعی	هیلبر- هانسن	- استفاده از گونه زیستی و گونه کالبدی	- عدم توجه به اندازه، کیفیت و نوع فضا

۳- شناخت الگو های کیفیت بخش معماری بومی گیلان

مولفه های معنایی، کالبدی و کارکردی در زمره حوزه هایی هستند که به نظر می رسد بازشناسی کیفی به واسطه آنها دست یافتنی تر می شود. از این رو در بازشناسی و بازآفرینی الگو های سنتی معماری گیلان، طبقه بندی مولفه ها در سه سطح کالبدی، کارکردی و معنایی صورت گرفته است.

۳-۱- مولفه های کالبدی

مولفه کالبدی با ویژگی های تناسباتی و شکلی خود دارای جهت گیری های خاص هندسی است که تاثیر عمده ای هم در شکل گیری مولفه معنایی و جانمایی کارکردهای شاخص و غیر شاخص دارد. از آنجمله عبارتند از:

فرم: فرم متأثر از شرایط اقلیمی خاص منطقه می باشد، سقف ها به صورت شیبدار (دو یا چهار شیبیه با شیب زیاد) در جهت هدایت آب باران به خارج از ساختمان شکل گرفته اند. هم چنین با توجه به شدت بارندگی و وجود کج باران در جبهه غرب و شمال غربی برای جلوگیری از ورود باران به داخل بنا ساختمان ها به شکل چتری تا نزدیکی زمین پایین می آیند. به این دلیل معمولا در یک یا دو جبهه رو به باد (غربی، شمالی) سقف ها تا زمین امتداد دارند و پنجره ای در این ضلع تعبیه نمی شود. در این معماری

فضای باقیمانده بین بدنه اصلی بنا و امتداد سقف را "فاکن" می نامند، که از آن جهت کاربری خدماتی نظیر انبار مواد غذایی و یا پخت غذا و... استفاده می کنند (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲).

توده و فضا: اتاق ها در این منطقه در لایه دوم دسترسی قرار دارند، بطوری که ایوانی دور تا دور بنا و یا حداقل در جبهه جنوب و شرق بصورت غلام گرد قرار می گیرد. این فضای نیمه باز ضمن اینکه مانع از رسیدن باران به دیوارهای اتاق ها می شود، در تابستان نیز مانع از رسیدن آفتاب و گرمای شدید به اتاق ها شده و ایجاد سایه می کند.

شکل (الگوی توزیع و چیدمان فضا): شکل گیری فضاها در خانه بومی گیلان بر پایه مدولی از مربع که معمولا به صورت خطی و در امتداد شرقی - غربی گسترش می یابد، ایجاد می شود. روند توسعه فضاها مطابق شکل عبارتند از: خانه تک اتاقه، گسترش در سطح با یک تا چهار ایوان، گسترش در سطح با افزایش اتاق در عین دارا بودن ایوان، گسترش در ارتفاع به صورت نیم طبقه، گسترش کامل یک طبقه در ارتفاع با تالار یک تا چهار طرفه. نمونه های دیگری از خانه هایی با فضای بسته زیرین آن و یا فضاهای بسته با ایوان بیرون زده در این روند شکل گیری نیز می توان بیان کرد. (معماریان، ۱۳۷۱)

الگوی ارتباط کالبدی: محورهای اصلی خانه های روستایی گیلان که سلسله مراتب فضایی را تعیین می کند به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- اهمیت ساختمان از پایین به بالا: اهمیت فضای طبقه بالاتر ساختمان به دلیل شرایط مطلوب تر تهویه و رطوبت کمتر و در نتیجه تزیینات بهتر، بیشتر از طبقه پایین آن می باشد.

۲- اهمیت ساختمان از بیرون به درون: احاطه کردن اتاق ها توسط ایوان و فضای حایل

۳- اهمیت بیشتر به فضاهای جلوی ساختمان نسبت به پشت آن به منظور تفکیک فضاهای تمیز و کثیف در بنا از محورهای اصلی طراحی معماری در گیلان می باشد. (میریوسفی، ۱۳۸۷)

عناصر سازه ای: پی شفته اهکی در تمامی سطح کف ریخته و سپس روی آن را با ترکیبی از گل رس، پوسته شلتوک برنج (فل) ساقه گیاه برنج (کولش) و خاکستر، کرسی چینی و اندود می کنند. با چندین لایه چوب به عنوان پی سازی روی آن قرار می گیرد سپس چوب هایی از جنس درخت سمد (ذی) و بعد از ذی، کتل با اتصال فاق و زین قرار می گیرد. این نحوه شکل گیری پی را شکیل یا باج بنه می گویند که با مجموعه ای از تیرها، کف ساختمان را تا ارتفاعی معین بالا می برند. پس از این مرحله تیرهای کف (نال) قرار می گیرد و روی آنها تنه های با مقطع سه گوش (صف) قرار داده و گل مالی می شود. پس از کف سازی ستون های دیوار طبقه اول نصب شده و سپس کف طبقه بالایی را جاسازی می کنند. دیوارها در این مرحله ساخته می شوند و در مرحله آخر پس از قرار گرفتن تیرهای سقف (واشان) با ساخت خرپا سقف شیبدار (سربندی یا شیروانی) بنا می شود. (قبادیان، ۱۳۸۸)

روش ذکر شده در بناهای جلگه شرقی گیلان متداول بوده و خانه هایی به این شکل را "باج بنه" یا "شکیلی" می نامند. در جلگه غربی نیز با توجه به در دسترس بودن سنگ، کرسی چینی سنگی انجام می گیرد. اما در جلگه مرکزی گیلان کرسی چینی با انتقال نیروها به صورت نقطه ای موسوم به "سکت چاه" دیده می شود. در این روش ستون هایی از جنس درخت توت را در فواصل نزدیک به هم (۱ تا ۱/۵) پیرامون ساختمان و به ارتفاعی حدود ۷۰ تا ۸۰ سانتی متری در زمین فرو می برند. سپس شمع ها را به کمک تیرهایی (نال یا نعل) به هم متصل و فاصله بین تیرها و زمین را با خشت خام پر می کنند. با اندود فل گل کف بنا آماده می شود (معماریان، ۱۳۷۱)

مصالح ساختمانی در معماری گیلان: جنگل های انبوه و مزارع برنج موجب شده که چوب و سپس الیاف گیاهی (کولش و گالی) عمده ترین مصالح ابنیه منطقه را تشکیل دهند پس از آن سنگ در مناطق کوهستانی و خشت و سفال در نقاط شهری مصالح بکار رفته ابنیه را شامل می شدند. (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲)

اندود متداول در معماری بومی گیلان، کاه گل (برای پر کردن فاصله های خالی دیوارچوبی) و فل گل که متشکل از گل رس، آب و پوست خرد شده دانه برنج (سبوس) که مانع ترک خوردگی می گردد، می باشند. هم چنین برای اندود نمای بیرونی بنا فل گل را با خاکستر چوب و نمک مخلوط می کنند تا اندود سفید رنگ و مقاوم ایجاد شده و همچنین اندود آهک و گچ نیز برای رویه نهایی دیوارها استفاده می شود. (قبادیان، ۱۳۸۸)

عناصر کالبدی در ساخت:

- انواع دیوار: زگمه ای، زیگامه، دارورچین: در این روش از اجرای دیوارها، الوارها (با مقطع چهار تراش یا دایره) را به صورت افقی یک در میان روی هم می چینند. معمولا از قبل آنها را به صورت کام و زبانه (فاق و زین) در می آورند تا اتصالات در گوشه ها محکم گردد. (قبادیان، ۱۳۸۸). در دیوار زگمه ای به علت صعوبت اجرا، پنجره به میزان حداقل سطح طراحی می شود.

- زگالی، نفار: این نوع دیوار دارای مقاومت خوب در برابر زلزله و نیروهای جانبی می باشد. در این روش ابتدا یک قطعه چوب چهار تراش از نوع درخت آزاد در پایین (در نقش شناژ افقی، نال) قرار گرفته و دو طرف آن چوب های عمودی یا ستون اجرا می شود. سپس تخته نسبتاً نازک یا چوب موسوم به زغال را به صورت مورب و با فاصله (۱۰ تا ۱۵ سانتی متر) در دو سطح داخلی و خارجی به وسیله میخ به نال و ستون نصب می نمایند. قبادیان، ۱۳۸۸)

انواع پوشش بام:

- گالی پوش خانه: متداول ترین بنای سنتی در نواحی جلگه ای است که عنصر اصلی پوشش سقف، گالی (لی: نوعی الیاف گیاهی حاشیه مرداب) و یا کولش (ساقه گیاه برنج) می باشد. به این ترتیب که تمامی پوشش از جنس لی است و بعضی قسمت ها از کولش می باشد و یا تمامی از کولش است.
- لته سر: این پوشش بیشتر در نواحی کوهستانی و کوهپایه ای که به جنگل نزدیک است ساخته می شود. پس از اجرای سازه سقف چنانکه ذکر شد تخته های لته را، که معمولاً از چوب درخت بلوط یا راش هستند، از پایین به بالا روی زغال ها می چینند. برای حفاظت تخته ها در مقابل باد روی آن ها، سنگ می گذارند.
- سفالی خانه: در مناطقی از گیلان که امکان تولید سفال موجود است. نصب این پوشش بر روی اسکلت بام منجر به هدایت باران به ناودان و آبرو می شود. شکل سفال ها در مناطق مختلف متفاوت می باشد. در شهرهایی نظیر رشت و لاهیجان سفال ها پشت و روی هم جفت می شوند، بطوری که درزهای هم را می پوشانند. در حالی که در تالش هر سفال بر سفال قبلی خود هم پوشانی می کند. دوام خوب، زیبایی، عایق حرارتی و صوتی (به دلیل چند لایگی) از مزایای سفال می باشد.

۲-۳- مولفه های عملکردی

از آن جا که مولفه های عملکردی در پرتو مولفه کالبدی امکان وقوع می یابد و نقشی تعیین کننده در شکل دهی به بستر معنایی دارد فضاهای عملکردی در معماری سنتی گیلان بشرح ذیل معرفی می گردند:

ایوان: به عنوان فضای نیمه باز خانه، مهم ترین و پرکاربردترین فضاست، که دارای عملکردی چندگانه می باشد و تقریباً کلیه فضاهای روزمره زندگی (از قبیل: آشپزی، انجام کارهای خانه، غذاخوری، نشیمن و حتی خواب در تابستان) در این فضا اتفاق می افتد. ایوان با عرض حداقل دو تا دو و نیم متر در طول ساختمان قرار گرفته و ارتباط اتاق ها را از خارج امکان پذیر می سازد. این فضا از دو یا سه طرف باز (که جنوب و شرق در اولویت اند) می باشد. ایوان اصلی در جبهه جنوبی ساختمان که نقش نشیمن را دارد بزرگتر از همه فضاهاست، به خاطر چشم انداز و جریان هوای مطلوب، ارتفاع بالاتری دارد. ایوان در طبقه بالا تالار نامیده می شود، که به دلیل افزایش ارتفاع و ویژگی های خاص خود از نظر منظر و اشراف به محیط اطراف، کوران مطلوب و نسیم مطبوع، بهره برداری متنوعی را برای ساکنین خود به ارمغان می آورد. (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲)

اتاق ها: فضاهای بسته ای هستند که بیشتر در فصل زمستان مورد استفاده قرار می گیرند. به این دلیل اتاق ها باز شو و روزنه های کمی دارند، به طوری که هر اتاق امکان تهویه و ورود هوا از شمال به جنوب و بالعکس را دارد. در بعضی خانه های اعیانی اتاق ها مستطیلی و دارای ارسی چوبی با شیشه رنگی در طبقه بالا می باشند. کاربری اتاق ها در صورت تعداد بیشتر و رفتن به ارتفاع مجزا شده و فضاهای استراحت و نشیمن به طبقه بالایی و طبقه پایین به فضاهای خدماتی (نظیر: آشپزخانه، انبار، طویله و حمام) اختصاص می یابد.

حیاط: به عنوان فضای باز خانه اهمیتی به اندازه سایر فضاها داشته که ارتباط بین خانه و طبیعت را فراهم می کند. حیاط خود بخشی از کالبد معماری روستایی گیلان است که فضاهای نیمه بازی جهت انبار محصولات و فضاهای نظیر چاه آب، طویله، آشپزخانه، مرغدانی و فضاهای نیمه باز و... به صورت پراکنده در حیاط قرار می گیرند. (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲)

از جمله فضاهای نیمه باز مذکور عبارتند از:

کتام: اتاقی که بر روی دستک های چوبی به ارتفاع ۱/۵ تا ۲/۵ متر از سطح زمین ساخته شده و از چهار طرف باز و با سقفی هرمی شکل است.

کندوج: یا کوتی که شبیه کتام ولی کمی بزرگتر و با سقف بلندی به شکل کله قند می باشد، برای انبار غله و برنج به کار می رود.

تلمبار: فضایی جهت انبار محصولات کشاورزی با دیواره ای از گل و نی و سقف دوشیبه از جنس لی است. (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲)

نقش اقتصاد در خلق فضاهای عملکردی

نوع معیشت و وضعیت اقتصادی و اجتماعی ساکنین در نوع معماری بناهای روستایی بسیار تاثیر گذار است. هر چه وضعیت مالی و رفاه خانواده بالاتر باشد، ابعاد، تعداد و تزیینات فضاها بیشتر است. خانه افراد متمول همواره دارای تالار و گاهی دو تالار مجزا بوده است. بخش هایی از فعالیت معیشتی در خانه و به دنبال آن برای برخی فعالیت ها فضاهایی در بیرون تشکیل می شد.

۳-۳- مولفه های معنایی

مولفه معنایی بستری کیفی و استعاری است برآمده از خاطرات جمعی و حضور رویدادها و به طور کلی آن دسته از ویژگی هایی که بواسطه آن مکان دارای معنا شده است. مولفه معنایی کیفیتی هویت مند است و برای شناسایی هویت یک اثر معماری بایست علاوه بر جنبه های شکلی و فرمی، به نقش اجتماعی و فرهنگی و به طور کلی به آثار معنوی بنا نیز توجه گردد. (مهردی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹) معماری گیلان همچون معماری سایر مناطق علاوه بر اقلیم تاثیر زیادی از ویژگی های فرهنگی و اجتماعی پذیرفته است. دلایل تفاوت های نسبی بین دو بنا در یک منطقه با وجود اقلیم مشابه گواهی بر این مدعاست. جغرافیای گیلان تاثیر عمیقی بر تاریخ و خصوصیات اجتماعی مردم و فرهنگ این منطقه گذاشته است. فرهنگ در گیلان با سایر نقاط ایران تفاوت دارد و این می تواند معلول تمایزات بارز جغرافیا و اقلیم باشد. در واقع جغرافیای این منطقه، فرهنگی برونگرا به وجود آورده است که حاصل آن معماری برونگرای گیلان است. ویژگی های فرهنگی همچون شیوه زندگی، برونگرایی، نمادها، اقتصاد معیشتی و باورها و اعتقادات از جمله آنهاست (خاکپور، ۱۳۹۰)

جنبه های شیوه زندگی موثر بر شکل دهی خانه در گیلان

پاسخ به نیازهای اساسی: نیازهای اساسی عبارتند از: احتیاج به تنفس، خوردن، آشامیدن، خوابیدن، نشستن، دوست داشتن و... اما آنچه در شکل ساخته شده اهمیت دارد نوع پاسخی است که از نقطه نظر فرهنگی به این نیازها داده می شود. نحوه پاسخ به این نیازها را فرهنگ مشخص می کند. به نظر می رسد که مردم گیلان میل به انجام کارها بصورت جمعی داشته اند بنابراین فعالیت های خود را به خصوص در فصول گرم به فضای ایوان و تالار انتقال می دادند

برونگرا یا درونگرا: محرمیت یا Intimate یعنی حفظ حریم خصوصی که با توجه به برداشت و معنای آن در هر فرهنگ متفاوت است. مساله جنسیت، شرم و حیا، موقعیت اجتماعی یا مقام فرد و احساس ارزش فردی یا داشتن احساس قلمرو، رفتار و نگاه فرد را نسبت به مساله محرمیت تغییر می دهد. پاسخی که فرهنگ های متفاوت به مساله محرمیت می دهند تحت تاثیر روابط اجتماعی، میزان آگاهی، تربیت و... تغییر می کند (راپاپورت، ۱۳۸۸). در گیلان، کار در مزارع و حضور زن و مرد در کنار هم این قلمرو را دستخوش تغییر کرده است و به ایجاد فضاهایی نیمه باز انجامیده که کاملا به محیط خارج از خانه دید دارد. برونگرایی در گیلان تنها حاصل تاثیر اقلیم و موقعیت منطقه نیست بلکه عوامل اجتماعی و فرهنگی نیز فاکتورهای مهم هستند.

نمادها: خانه هایی که در جلگه گیلان ساخته می شوند همچون درختان مرتفع تابع یک طرح چند طبقه است. منزلت تالار نیز از نظر نمادی قابل بررسی است. این فضای آزاد نسخه بدلی است به مقیاس بسیار کوچک از کوهستانهای مجاور که تالار غالباً رو به آن ساخته می شود. در بعضی خانه ها از شکل درخت برای تزیین نرده های تالار و نمای خانه ها استفاده شده است و این بدلیل منزلتی است که درخت در آیین ها و رسوم این مردم دارد. غالباً شکل درخت سرو دیده می شود که درختی کهن و کیهانی است و باز نمود آن در گیلان که دنیای گیاهان به آداب و عقاید مردم شکل داده است، شاید تا به امروز دوام یافته است. (برمبرزه، ۱۳۷۰). فضاهای نیمه باز ایوان، خطوط نرده ها و ستونها با طبیعت اطراف هم آغوش شده است. تکرار خطوط عمودی ستون های ایوانها، تکرار فرم تنه درختان در اطراف بنا را تداعی می کند. (خانه موسوی، میراث معماری روستایی گیلان، ۱۳۸۹)

آداب و رسوم: خانه روستایی لبریز از نشانه های آیینی و مراسم سنتی و فرهنگ بومی منطقه است. برای مثال زمانی که به آیین ها و جشن های نوروزی، مراسم عروسی و سنتهای خاکسپاری و... که در جریان زندگی ساکنان خانه که در فضاهای مختلف جریان داشته است را بشناسیم، می توانیم به تحلیل جامعی از دلایل شکل گیری فضاهای خانه دست پیدا کنیم. درک صحیح از ابعاد و کیفیات فضاها نیز بستگی به شناخت دقیق نحوه برگزاری این مراسم و آیین، تعداد شرکت کنندگان، ابزار و وسایل مورد نیاز دارد. (خانه موسوی، میراث معماری روستایی گیلان، ۱۳۸۹) مراسم های گوناگونی در فضای ایوان و تالار برگزار می شود و این موضوع به دلیل ارتباط بصری مناسبی است که با فضای بیرون برقرار است و می تواند شرایط مناسبی برای ارتباط با میهمانان ایجاد کند. (پاینده لنگرودی، ۱۳۷۷). (جدول ۲)

جدول (۲) شناخت مولفه های کیفی معماری سنتی گیلان، ماخذ (نگارنده)

توضیحات	شاخص های معماری سنتی گیلان	الگو های کیفیت بخش	
متاثر از اقلیم، سقف شبیدار و چتری در جبهه غرب و شمال غربی، امتداد سقف تا زمین در جبهه شمالی و غربی منجر به ایجاد فضای فاکن	فرم	مولفه کالبدی	
قرارگیری توده (اتاق) در لایه دوم، قرارگیری فضای ایوان دورتادور بنا بشکل غلامگرد	توده و فضا		
برپایه مدول مربع، بشکل خطی در امتداد شرقی غربی، الگوی تک اتاقه با ایوان، افزایش اتاق همراه با ایوان، گسترش در ارتفاع به همراه تالار یک طرفه یا چند طرفه	شکل (الگوی توزیع و چیدمان فضا)		
اهمیت از پایین به بالا: طبقه بالا تر شرایط مطلوب تهویه و رطوبت کمتر	الگوی ارتباط کالبدی		
اهمیت از برون به درون: احاطه کردن اتاق توسط ایوان			
اهمیت از جلو به پشت: تفکیک فضای تمیز و کثیف			
پی: در جلگه شرقی: باج بنه یا شکیلی، در جلگه غربی: کرسی چینی سنگی، جلگه مرکزی: سکت چاه	عناصر سازه ای (الگوی ساخت)		
دیوار: ستون های چوبی	مصالح		
سقف: واشان و ساخت خرپاچوبی			
چوب، کولش و گالی، سنگ، خشت و سفال	انواع دیوار		مولفه عملکردی
زگمه ای، زیگامه و دارورچین			
زگالی، نثار		انواع سقف	
گالی پوش			
لته سر			
سفالی خانه			
فضای بسته: اتاق: کاهش ایجاد بازشو و روزنه، امکان تهویه در جبهه شمال و جنوب و برعکس	ایجاد فضاهای عملکردی متاثر از اقلیم و ارتباط با طبیعت		
ایوان: مهم ترین و پرکاربردترین فضا، عملکرد چندگانه، از دو یا سه طرف باز		فضای نیمه باز	
کتاب و کندوج: محل انبار غله و برنج، سقف هرمی شکل و برپایه ستونهای چوبی			
تلمبار: محل انبار محصولات کشاورزی			
فضای باز: حیاط: ارتباط بین خانه و طبیعت، جز کالبد معماری بافت	نقش اقتصاد و شیوه معیشت در ایجاد فضاهای عملکردی		
نوع معیشت در ایجاد فضاهای عملکردی متناسب با شیوه زندگی و امرار معاش، نوع معیشت و تاثیر میزان درآمد در تعداد و نوع فضاهای عملکردی	هویت	مولفه های معنایی	
تاثیر جغرافیا بر تاریخ و هویت اجتماعی گیلان	عوامل فرهنگی و اجتماعی		
تمایزات جغرافیایی موثر بر فرهنگ متفاوت گیلان و ایجاد فرهنگ برونگرا	شیوه های زندگی موثر بر شکل گیری فضا		
پاسخ به نیازهای اساسی: تمایل جامعه به فضاهای جمعی و پیوستگی با طبیعت در برطرف نمودن نیازهای اساسی			
نمادها: حضور درختان مرتفع و طرح چند طبقه ای بناهای سنتی، منزلت درخت در آیین هاو باورهای مردم و استفاده از آن در تزیینات، حضور فضاهای نیمه باز و ستونهای عمودی و نرده در هماهنگی با تنه مرتفع درختان			
آداب و رسوم: بدلیل شکل خاص فرهنگ در برگزاری مراسم ها، تغییر در ابعاد فضا و کیفیت های موجود آن			

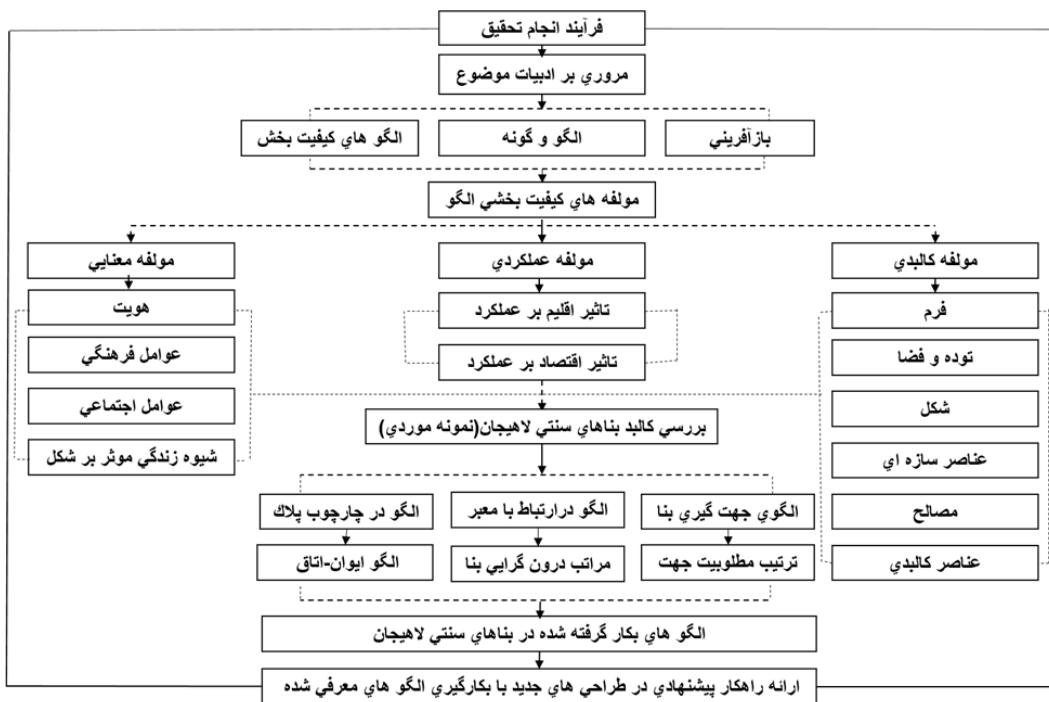
تاثیر اقلیم بر معماری گیلان

ویژگی های اقلیمی خاص منطقه که از مهم ترین آنها می توان بارندگی دائمی و رطوبت نسبی بالا را ذکر کرد، عامل اصلی شکل گیری معماری منطقه می باشد. از بهترین روش های اقلیمی جهت تنظیم شرایط محیطی در این منطقه، بکارگیری جریان هوا و باد جهت تهویه هوای ساختمان می باشد. جهت گیری ساختمان ها در این منطقه، به منظور استفاده از بادهای مطلوب شرقی

و شمال شرقی در تابستان و کاهش اثر بادهای نامطلوب شمال غربی و همچنین بهره گیری از نور مطلوب، در راستای شرقی - غربی می باشد. با توجه به بالا بودن آب های سطحی در این منطقه، به دلیل نزدیکی به دریا و همچنین رطوبت زیاد هوا، امکان نفوذ رطوبت از سطح زمین به کف ساختمان وجود دارد لذا برای جلوگیری از نفوذ رطوبت از این طریق به بنا ارتفاع ساختمان بالاتر از سطح زمین اجرا می شود (دیبا و یقینی، ۱۳۷۲).

۴- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است و از نظر ماهیت روش توصیفی است. از آنجایی که وجوه مدنظر این پژوهش از مفاهیم اصلی، قابل اندازه گیری نیستند، از روش توصیفی برای تعریف و روش تحلیلی برای ارزیابی آن ها کنار هم بهره گرفته شد، با توجه به تفکیک مولفه های کیفیت بخشی الگو در بخش بررسی نمونه موردی تنها مولفه کالبدی بررسی و در نهایت با استنتاج از این داده های کیفی در بخش کالبد، پیشنهاداتی منطبق بر استانداردها ارائه می شود. (تصویر ۱)



تصویر ۱: ساختار تحقیق

۵- تحلیل الگو های بومی لاهیجان به عنوان نمونه موردی

۵-۱- نحوه بررسی معماری خانه های لاهیجان

در این قسمت شناخت معماری خانه های لاهیجان با توجه به نظام قواعد و الگو های طراحی بکار رفته در ساختار کالبدی بناها صورت گرفته است. در این معماری دایره عناصر کالبدی کم و بیش محدود و مشخص است بنابراین از طریق مطالعه مجموعه ای از آثار به جا مانده می توان الگو های مشترک را شناسایی و از طریق آن هنجارهای طراحی را استنباط نمود.

۵-۲- قاعده استقرار و جهت گیری خانه

با نگاهی به عکس های هوایی لاهیجان ملاحظه می شود که در گذشته نظم خاصی در نحوه استقرار و جهت گیری ابنیه در این بافت شهری حاکم بوده است. عوامل مختلفی در این جهت گیری سهیم بوده از آنجمله ملاحظات اقلیمی چون تاثیر باد و آفتاب. "جهت غرب بخاطر باران و باد بسته است. جنوب بدلیل برخورداری از آفتاب دارای ایوان های بلندی است و شمال و شرق و جنوب تا اندازه ای باز است تا جریان هوا در فضاهای داخلی ایجاد شود" (صارمی و گل امینی، ۱۳۷۴).

اکثر خانه ها در امتداد محور شمال شرقی - جنوب غربی با چرخش حدودا ۳۰ درجه نسبت به امتداد شمال جهت گیری می شدند. جهت گیری مذکور به این معنا بوده که خانه های شهر تقریباً در راستای قبله قرار می گرفتند. (جهت گیری رو به قبله=رون

راسته) بنابراین بهترین جهت برای رو کردن خانه‌ها جهت مشرق بوده است. در برخی موارد اگر امکان جهت‌گیری به سمت شرق ممکن نبوده، این جهت‌گیری رو به شمال جهت برخورداری از بادهای مطلوب شمالی جهت تهویه صورت می‌گرفته است. جهت‌گیری رو به جنوب به علت عدم برخورداری از بادهای مطلوب شمال و شمال شرقی و محروم بودن از تابش آفتاب صبحگاهی و نفوذ باد نامطلوب جنوب به درون خانه مردود بوده است. جهت‌گیری رو به غرب نیز بدلیل مزاحمت باد سرد و کج باران غربی در زمستان، آفتاب داغ بعد از ظهر تابستان و عدم برخورداری از بادهای مطلوب شمال و شمال غرب چندان مورد توجه نبوده است.

۵-۳- الگوهای طراحی خانه با توجه به جهت‌گیری‌های مطلوب

بنا در چهار طرف سایت ساخته شود. (الگوی حیاط مرکزی)

سه طرف سایت ساخته شود.

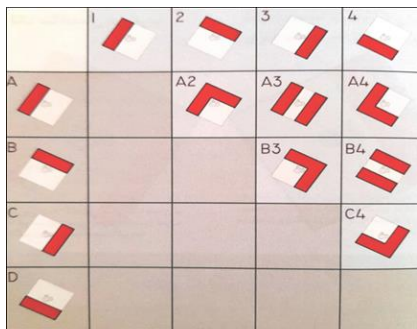
دو طرف سایت ساخته شود. (الگوی شکل ۱۱ و الگوی L شکل)

عوامل موثر در انتخاب الگوی شکل ۱۱ و الگوی L شکل، درون‌گرایی و امنیت، پرهیز از ایجاد مزاحمت برای همسایه،

ریزش برف، حل مسائل داخلی پلان بوده است. (تصویر ۲)

بنابراین الگوی ارزش‌گذاری جهت‌های جغرافیایی بدین ترتیب بوده که مطلوب‌ترین جهت مشرق و بعد از آن شمال بوده

است. (پوراحمدی، ۱۳۹۹)



الگوهای طراحی کلی سایت: یک طرف ساز و دو طرف ساز



الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای سه طرف ساز



الگوهای طراحی کلی سایت: الگوهای کوشکی

تصویر (۲): الگوهای طراحی سایت با توجه به نوع چینش ساختمان در آن

ارتباط خانه با همجواری‌ها: (ارتباط با معبر)

بررسی قواعد شکل دهنده به این ارتباط حاکی از تامین درون‌گرایی بنا بوده است.

عوامل موثر بر درون‌گرایی: ۱- میزان مکشوف بودن درون خانه از معبر و شدت مجزا سازی فضاهای عمومی و خصوصی

درون خانه (وضعیت حصار زمین و میزان باز شو ها در جداره خارجی بنا و نحوه ساماندهی فضایی خانه، عامل تعیین کننده است).

۲- میزان تزئینات و آرایش رو به معبر

۴ نوع خانه با توجه به درون‌گرایی قابل بحث خواهد بود: ۱- نیمه برون‌گرا ۲- نیمه درون‌گرا ۳- درون‌گرا ۴- درون‌گرایی قلعه

ای

نیمه برون‌گرا: شباهت زیادی به خانه‌های روستایی دارند، دارای باز شو های متعدد ساده در و پنجره رو به معبر، تزئینات در

سطح نازل، دیوارهای آن نسبت به خانه‌های روستایی بلندتر ولی دارای حیاط اختصاصی است.

نیمه درون‌گرا: دیواره رو به معبر نماسازی نمی‌شود مگر در حد یک اتاق در قسمت فوقانی دروازه، تزئینات این اتاق بصورت

پنجره‌های ارسی و یا ساده است. اضافه شدن بالکن و بام پیش آمده به این فضا تکمیل الگوی برون‌گرایی است. بالکن و ارسی

بعنوان عنصر تزئینی محسوب می‌شود.

درون‌گرا: متداولترین نوع خانه‌های لاهیجان است که بعنوان معماری تدافعی نام دارند، دلیل آن علاوه بر یک نیاز فرهنگی در

تامین حریم خصوصی درون بنا، می‌تواند جنبه امنیتی و دفاعی هم داشته باشد.

نمونه خاص این درون‌گرایی بشکل دیوار قلعه بوده که چندین همسایگی را در بر داشته است. حداقل دیوار باز شو و دیوارهای

بلند و یکنواخت و عاری از هر گونه تزئین مشخصه اصلی آن خواهد بود.

درون‌نگرای قلعه ای: این گونه از لحاظ نظامی و حکومتی مطرح شدند و به نظر می‌رسد که متعلق به افراد صاحب منصب بوده است. خانه در آن متصل به هیچ دیواری نیست و بنا در مرکز حیاط قرار دارد. بیشترین درون‌نگرای را دارد و ارتباط بصری با بیرون ندارد. (پوراحمدی، ۱۳۹۹)

قواعد طراحی در چارچوب پلاک

طراحی پلان: ایجاد پلان خطی و کم عمق، کاربرد ایوان و تالار، بام شیبدار با پیش آمدگی از هر طرف، وضعیت باز شوها، اهمیت تامین کوران طبیعی، تامین سایه و مقابله با رطوبت از جمله عوامل تاثیر گذار در نوع چینش فضای خانه می‌باشد.

الگوی کلی چینش ساختمان:

عناصر کالبدی- فضایی خانه:

۱- ساختمان یا ساختمان‌هایی که در یک یا چند طرف ساخته می‌شوند.

۲- فضاهای خدماتی: بارانداز و مطبخ و دوشویی

۳- فضاهای باز: حیاط و باغچه، حوض، چاه آب و سردر ورودی

مکان یابی فضاها: بهترین جهت گیری رو به شرق بوده، بنابراین بنا در سمت غرب زمین و نما رو به شرق قرار می‌گرفته است. فضاهای خدماتی دور از ساختمان اصلی و بواسطه همین فضاها عرصه خصوصی تر و محرمانه‌تر می‌شده است. (پوراحمدی، ۱۳۹۹)

ساختار کلی پلان: الگوی اولیه حاکم بر پلان خانه‌ها الگوی ایوان-اتاق نامیده می‌شود. تعدادی اتاق پهلو به پهلو همراه با یک ایوان سرتاسری در جلوی آنها، دسترسی اتاق‌ها علاوه بر ایوان از طریق درهای داخلی که بهم وصل بوده صورت می‌گرفته است. الگوی ایوان-اتاق امروزه "الگوخطی" نامیده می‌شود.

سازماندهی فضا در طبقات: به لحاظ هنجارهای مربوطه طبقه دوم مهم تر و با ارزش تر از طبقه اول و دارای ارتفاع بیشتری بوده و اتاق مهمان همراه با پنجره‌های ارسی در آن مکانیابی می‌شده است. اتاق مهمان در مهم‌ترین محور بصری نما یعنی محور تقارن بنا و نزدیکترین محل نسبت به پلکان قرار می‌گرفته است.

ابعاد و اندازه اتاق‌ها: متداولترین شکل اتاق مستطیلی با تناسب طول و عرض تقریبی $۲*۳ یا ۳*۴$ یا $۵*۷$ بوده که معمولاً با تعداد تاقچه تعریف شده در آن ضلع منعکس می‌گردیده است.

نقش تاقچه در اتاق: تاقچه علاوه بر محل نگهداری تجهیزات زندگی نقش مهمی در اجرای سیستم سازه ای خانه ایفا می‌نمود بطوریکه با کم کردن جرم ساختمان بویژه در طبقه بالایی تاثیر به‌سزایی در مقاومت بنا در مقابل نیروهای جانبی از جمله زلزله داشته است. علاوه بر آن تاقچه بندی بعنوان عامل اصلی تعیین نظم فضایی در طراحی داخلی عمل می‌نموده است.

ایوان و تالار: سه نوع ایوان و تالار قابل بحث بوده نخست ایوان باریک: بیشتر محل رفت و آمد به اتاقها و جایی برای خوابیدن در شب در فصل گرما بوده است. ایوان عمیق نیز که عمق آن به اندازه یکی از اتاق‌ها بوده و این الگو بیشتر در طبقات همکف خانه‌های دو طبقه لحاظ می‌شده و الگوی ایوان عمیق دو ستونی که برگرفته از ایوان عمارت‌های دیوانی پایتخت بوده است. هر گاه ایوان باریک در چند ضلع امتداد داشته و بهم متصل بوده به آن غلامگردش می‌گفتند که بیشتر در جبهه شمالی و غربی و جنوبی اجرا می‌گردیده است.

بالکن: در اصطلاح محلی به آن تالار یا دامنه می‌گفتند هر گاه این بالکن در ضلع جانبی ساختمان قرار می‌گرفته به آن پوشته دامنه یا به اصطلاح "پهلو-ایوان" می‌گفتند. بالکن میتواند در نمای اصلی یا جانبی یا رو به حیاط قرار گیرد. این بالکن بیشتر در الگوهای نیمه درونگرا و نیمه برونگرا مشاهده گردیده است.

پله: این عنصر به سه شکل در فضای خانه تعریف شده است پله داخلی که بیشتر مشخصات یک فضای خدماتی و کاربردی را دارد و بشکل یک پله مارپیچ با فضای حداقل، معمولاً در محور مرکزی پلان بطوریکه دو اتاق در طبقه بالا از آن دسترسی بگیرند. پله ارتباطی تالار با طبقه همکف و پله حیاط به تراز روی کرسی در طبقه همکف نیز قابل تعریف است.

بام: پوشش بام با سفال بوده که بخاطر خصوصیات اجرایی سفال، از هندسه ساده در بام بشکل مستطیلی چهار شیبه متقارن استفاده می‌شده است. ساختار اجرایی سفال هم به گونه ای بوده که به زیرسازی چوبی خود هیچ گونه گیر و اتصالی ندارد و صرفاً بواسطه وزن روی آن ثابت می‌ماند. اجرای شیب چهار طرفه امکان کلاف شدن سفالهای واقع در هر لبه را فراهم می‌کند. معمولاً در لبه‌ها و محل تقاطع سطوح جهت تثبیت سفالها از آجر استفاده می‌کردند. نکته مهم در طراحی بام جهت گیری لوجنک بوده که متاثر از جهت مناسب می‌باشد و در بیشتر موارد اگر چه جهت گیری بنا رو به جنوب بوده اما لوجنک در جهت پشت به نمای اصلی و رو به شمال قرار گرفته و به نظر می‌رسد بدلیل فرار از مزاحمت باد نامطلوب و گرم جنوبی و جلوگیری از حریق بوده باشد.

ترتیبات بام بیشتر در قسمت دامنه تمرکز داشته و پیش آمدگی‌های چوبی پله ای یا سرشیرهای دو پشته و سه پشته و انواع قرنیز چوبی در لبه بام اجرا گردیده است.

نما: طراحی نمای کل ساختمان به صورت متقارن خیلی کم اتفاق افتاده لیکن تقارن های جزئی را می توان یک ویژگی محوری در طراحی نما محسوب نمود. مقیاس کاربرد تقارن در نما سازی معمولاً مقیاسی کوچکتر از کل نما می باشد. (پوراحمدی، ۱۳۹۹)

۵- نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش گردید تا قواعد و الگو های کالبدی شکل دهنده به معماری خانه های لاهیجان بر اساس رجوع به نمونه های باقی مانده و یا منابع مرتبط شناسایی و طبقه بندی گردد. در جدول (۳) چکیده ای از قواعد و الگو های معماری بکار رفته در این نمونه ها ارائه گردیده که با استناد به آن می توان در راستای بازآفرینی و بکارگیری این الگوها بعنوان خط و مشی طراحی های جدید بهره جست.

جدول (۳): قواعد و الگو های کالبدی بکار رفته در خانه های بومی لاهیجان (ماخذ: نگارنده)

سطح	عنوان	الگوی بکار گرفته شده
سطح ۱	نسبت ساختمان با محیط کلان	ترتیب مطلوبیت جهت قرارگیری بنا در بافت: جهت مشرق، شمال، غرب و جنوب
سطح ۲	نسبت بنا با معبر مجاور	چهارگونه ارتباط خانه و معبر: نیمه برونگرا، نیمه درونگرا، درونگرای قله ای
سطح ۳	استقرار بنا در سایت	با توجه به جهت گیری های مطلوب بیان شده، بنا به شکل های مختلف در جبهه های مختلف از سایت استقرار یافته و بشکل الگو های چهار طرفه یا حیاط مرکزی، سه طرفه، دوطرفه با الگوی بشکل ۱۱ و یا الگوی L شکل
	ارتباطات درونی بنا	- الگوی اتاق - ایوان الگوی پایه با نام امروزی الگوی خطی - ساماندهی فضا در طبقات با الویت و اهمیت بنا در طبقه دوم - وجود فضاهای نیمه باز تالار بالکن و ایوان و غلامگردش - قرار گیری اتاق مهمان (پذیرایی) در محور تقارن پلان به لحاظ اهمیت مکانی
	عناصر کالبدی - فضایی بنا	اتاق - ایوان یا بالکن و تالار - پله - بام - عناصر محوطه شامل: دروازه، حوض و چاه آب، حیاط
	نما	- تقارن جزئی از ویژگی های محوری طراحی نما ولیکن کل نما کمتر متقارن طراحی می شود - استفاده از بازشوهای نفیس در بخش های مهم خانه

در طراحی های جدید با توجه به الگو های ارائه شده می توان:

- توجه به ملاحظات اقلیمی (نوع وزش باد، میزان رطوبت، بارندگی و جبهه های باران خور و...) در هر منطقه از گیلان با توجه به تقسیمات جغرافیایی
- استفاده از مصالح بومی در بخش های کالبدی طراحی های جدید
- بکارگیری راه حل های سنتی در ایجاد کوران هوا و تهویه طبیعی نظیر ساخت ایوان، ایجاد شکنج در جبهه که باد می وزد جهت ایجاد مکش و هدایت به داخل ساختمان
- استفاده از عناصر غالب معماری سنتی در طراحی های جدید بگونه ای که همان عملکرد و معنا را بتواند ایفا کند نظیر ساخت پلکان، ایوان و بالکن در بنا و ارتباط متناسب درون و برون
- استفاده از راهکارهای طراحی سنتی در ایجاد فضاهای عملکردی بناهای جدید
- حفظ نشانه های هویتی و مولفه های معنایی معماری بومی در طراحی های جدید

۱. حبیبی، محسن. ۱۳۹۴. مفهوم بازآفرینی شهری در نظر و عمل. هفت شهر. ش ۵۱-۵۲.
۲. قربانی، بهاره. ۱۳۹۷. بررسی تاثیر الگوهای هویت بومی در ایجاد شهر پایدار. چهارمین کنفرانس ملی مهندسی عمران و معماری با تاکید بر فناوری های بومی ایران
۳. لنگ، جان. ۱۳۸۳. آفرینش نظریه معماری. ت: علیرضا عینی فر. تهران. دانشگاه تهران.
۴. مقتدایی، مهتا. ۱۳۸۵. پیشنهاد روشی برای تحلیل شخصیت شهر. مجله محیط شناسی. ش ۳۹
۵. سلطانی، مهرداد، منصوری، سید امیر، فرزین، احمدعلی. ۱۳۹۱. تطبیق نقش الگو و مفاهیم مبتنی بر تجربه در فضای معماری. باغ نظر. ش ۲۱
۶. رئیس، ایمان. ۱۳۸۳. رویکرد شکلی به معماری هادی میرمیران و بهرام شیردل. فصلنامه شارستان. ش ۳
۷. معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. سیری در مبانی نظری معماری. انتشارات سروش دانش. تهران
۸. بحرینی، سیدحسین، تقابن، سوده. ۱۳۹۰. آزمون کاربرد روش چیدمان فضا در طراحی فضاهای سنتی شهری. نشریه هنرهای زیبا. ش ۴۸.
۹. معماریان، غلامحسین، هاشمی طغراجرودی، سید مجید، حمزه نژاد، مهدی. ۱۳۹۱. بازشناسی روش آموزشی تاریخی - تکاملی مدرسه. نشریه پژوهش فناوری آموزش. س ۶ ش ۳
- ۱۰- آسیایی، رویا. ۱۳۹۲. مفهوم سکونت و نظریه ساماندهی فضایی رایاپورت. وب سایت تخصصی anthropology
۱۱. معماریان، غلامحسین، طبرسا، محمدعلی. ۱۳۹۲. گونه و گونه شناسی در معماری. نشریه معماری و شهرسازی ایران. ش ۶
۱۲. دیبا، داراب، یقینی، شهریار. ۱۳۷۲. تحلیل و بررسی معماری بومی گیلان. مجله معماری و شهرسازی. ش ۲۴.
۱۳. معماریان، غلامحسین. ۱۳۷۱. آشنایی با معماری مسکونی ایران (گونه شناسی برونگرا). انتشارات دانشگاه علم و صنعت. تهران
۱۴. میروفسکی، پویا. ۱۳۸۷. چوب این میراث کهن، معماری روستایی گیلان، معماری سبز. مجله هنر و معماری. ش ۸
۱۵. قبادیان، وحید. ۱۳۸۸. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. مهدوی نژاد، محمد جواد، بمانیان، محمدرضا، خاکسار، ندا. ۱۳۸۹. هویت معماری، معنای هویت در دوره های پیشامدرن، مدرن و پسا مدرن. نشریه هویت شهر. س ۵. ش ۷
۱۷. خاکپور، مژگان. ۱۳۹۰. معماری خانه های گیلان. فرهنگ ایلیا. رشت
۱۸. خانه موسوی. میراث معماری روستایی گیلان. جلگه غرب. ۱۳۸۹. ۵۱
۱۹. پاینده لنگرودی، محمود. ۱۳۷۷. آیین ها و باورداشت های گیل و دیلم. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران
۲۰. پوراحمدی، مجتبی. ۱۳۹۹. معماری خانه های قاجاری لاهیجان و نظام کنترل ساختمانی مرتبط با آن. انتشارات دانشگاه گیلان.
۲۱. صارمی، علی اکبر، گل امینی، شهرام. ۱۳۷۴. معماری گیلان. انتشارات گروه پژوهشگران ایران. تهران
۲۲. برمبزه، کریستیان. ۱۳۷۰. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان. ت: علاالدین گوشه گیر. تهران موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. میرسجادی، سید امیر، فرکیش، هیرو. ۱۳۹۵. ارزیابی الگوها و شناخت فاکتورهای کالبدی تاثیرگذار در معماری خانه های تاریخی نیشابور جهت دست یابی به راهکارهای طراحی و الگوی ساخت منازل در بافت مسکونی سنتی. فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی. ش ۱۳
۲۴. پیوستگار، یعقوب، آهویی، صادق، خانبازی، وحید. ۲۰۱۵. مطالعه تیپولوژی ساختار فیزیکی و اقلیمی خانه های سنتی دزفول.